

بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار: مطالعه موردی منطقه کردستان ایران (قومیت کرد)

محمد جعفر جوادی ارجمند^۱ - سید محسن توکلیان^۲ - ناهید قمریان نصرآبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۱۷

چکیده

در کشورهایی با تنوع قومیتی و مذهبی مانند ایران، مسأله جذب قومیت‌ها در یک پارچوب کلان هویت‌بخش که به همبستگی ملی منجر شود، برای ایجاد و حفظ امنیت پایدار ضروری است. این مقاله با تأکید بر هویت قومی مردم کرد، موانع فرایند جذب این قومیت در هویت ملی را بررسی می‌کند. همجواری منطقه کردستان ایران با اقلیم کردستان عراق و کردستان ترکیه، تبلیغات جدایی طلبانه و قوم‌گرایانه خارجی به همراه ناآرامی‌های متناوب و تنش‌های گاه‌خوشونت‌آمیز، نگاه ویژه به این منطقه به طور عام و بررسی هویت و فرهنگ کرد به طور خاص را در جهت ایجاد و حفظ امنیت پایدار در منطقه ضروری می‌سازد. فرضیه این مقاله مبتنی بر این است که آنچه منطقه کردستان را در مقابل این تبلیغات سوء و نفاق‌افکنانه به عنوان بخشی از خاک ایران حفظ کرده، جذب هویت مردم کرد در هویت ملی است؛ لیکن این جذب با چالش‌ها و موانعی روبه‌روست؛ از جمله مشکلات اقتصادی منطقه و نابرابری‌های ناحیه‌ای، تبلیغات تجزیه طلبانه و فرصت طلبانه بیگانگان، تبعیضات مذهبی و نگاه امنیتی به این منطقه و تحولات کردستان عراق، که باید در جهت رفع این مشکلات با نگاهی کارشناسانه اقدام کرد. این پژوهش ضمن ارائه پیشنهادهایی برای رفع این مشکلات بر آن است که باید در چهار حوزه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی نسبت به منطقه کردستان سیاست‌ها و رویکردها (نگاه‌ها)ی پیشین دچار تغییر و تعدیل گردد.

واژگان کلیدی: امنیت پایدار، کردستان، هویت، قومیت، چالش‌های امنیتی

۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران mjjavad@ut.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران tavakolian_mohsen@gmail.com

۳ کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران nghamaryan@gmail.com

مقدمه

در نظام بین‌المللی دولت-ملت محور که زاییده قرارداد وستفالیاست، موضوع امنیت از جایگاهی کلیدی و برجسته برخوردار است. برای حفظ موجودیت دولت-ملت، حاکمیت و استقلال دولت ضروری است. استقلال و حاکمیت دولت در پناه توانایی برخورد با تهدیدات و خطرهاست؛ زیرا نظام بین‌الملل متشکل از دولت‌های گوناگون با اهداف متفاوت و گاه متعارض و توانایی‌های متفاوت است که هر کدام به طور بالقوه می‌تواند تهدیدی برای دیگری باشد. در کنار این عوامل ساختاری، دولت باید به عوامل دیگری چون منابع و امکانات خود و مهم‌تر از همه به دیگر بازیگران نیز توجه داشته باشد؛ اما نگاه‌ها نسبت به امنیت از دهه ۱۹۹۰ به این سو دچار دگرگونی بنیادی شده و اینک تنها به جنبه‌های سخت‌افزاری امنیت توجه نمی‌شود؛ بلکه مفهوم امنیت پایدار کانون مباحث امنیتی شده است. در امنیت پایدار از عوامل جغرافیایی تا جمعیت‌شناختی و از عوامل اجتماعی تا فرهنگی باید مدنظر قرار گیرد. عدالت، واقع‌گرایی همزیست‌گرایانه و همکاری چندجانبه فرهنگی را از ارکان امنیت پایدار برشمرده‌اند (آدمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱).

متأسفانه، در کشور ما به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی امنیت چندان توجه نشده است. از این رو، این پژوهش در صدد است تا رابطه هویت قومی کرد و هویت ملی همراه با موانع جذب هویت قومی کرد در هویت ملی و نقش آن بر امنیت پایدار کشور را بررسی کند. از آنجا که در بحث امنیت پایدار توجه به مختصات فرهنگی، ارزشی و هویتی امنیت‌جویان برای پایداری امنیت ضروری است (قیصری، ۱۳۹۲: ۵۳) بنابراین، رابطه هویت کردی و ملی در مناطق کردنشین ایران؛ به ویژه کردستان را بررسی و تأثیر آن بر امنیت پایدار ملی را واکاوی خواهیم نمود.

در اهمیت این پژوهش در ابتدا باید گفت که ایران کشوری با مردمانی از اقوام و ملل گوناگون با فرهنگ و آداب رسوم متفاوت است. بنابراین، توجه به تفاوت‌ها و هویت‌های

منطقه‌ای در استقرار امنیت پایدار ضروری و الزامی است. همچنین، به این علت کردستان را انتخاب کرده‌ایم که در سالیان اخیر شاهد چالش‌های امنیتی گوناگونی در این منطقه بوده- ایم: از جمله اعتراضات مردمی، بمب‌گذاری، درگیری مسلحانه با نیروهای مسلح جمهوری اسلامی توسط گروهک‌های برانداز یا جدایی‌طلب، عضوگیری گروه‌های معاند نظام در این مناطق و... . اهمیت دیگر مسأله پژوهش این که در دو بند ۴۴ و ۴۵ از برنامه پنجم توسعه (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰) بحث امنیت پایدار مورد تأکید قرار گرفته و یکی از حوزه‌های آن هویت و همبستگی ملی اعلام شده است. این موضوع نشانه‌ای از ورود فاز جدیدی از رویکردها به بحث امنیت و بحث هویت و قومیت در نگاه سیاستمداران کشور است که باید بیشتر به آن پرداخته شود.

مفهوم امنیت و امنیت پایدار

در حوزه روابط بین‌الملل و مسائل امنیتی، مبنا و پایه برای تعریف مفهوم امنیت، مسأله بقاست. بنابراین، یک موضوع زمانی امنیتی تلقی می‌شود که به بقای موجودی مربوط و تهدیدی اساسی برای آن باشد. از آنجا که در حوزه روابط بین‌الملل بازیگر عمده دولت - ملت بوده؛ لذا موجودی که امنیت آن از اهمیت فزاینده برخوردار می‌شود، دولت است. در مورد مسأله امنیت می‌توان دو رویکرد را مشاهده نمود: رویکردی عینی (براساس وجود تهدیدی راستین) و رویکردی ذهنی (براساس احساس تهدید) (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۸). در رویکرد عینی به خطرها و تهدیدات واقعی یا بالقوه توجه می‌شود. پیروان این دیدگاه برای آن که موضوعی را امنیتی قلمداد کنند، به دنبال شواهد و مستندات هستند؛ اما در رویکرد ذهنی آنچه مهم است، احساس خطر و یا عدم امنیت است. لذا رویکرد عینی معطوف به محیط است و رویکرد ذهنی معطوف به درون بازیگر؛ اما هیچ یک از این دو رویکرد کامل نیستند. به سبب آنکه باید در مسأله امنیت هم احساس را در نظر داشت و همچنین، بیرون و محیط اطراف را مورد توجه قرار داد. از این

رو، نگاه به مسأله امنیت نه ذهنی و نه عینی، بلکه باید بین اذهانی باشد. امنیتی بودن موضوعی مسأله‌ای نیست که فرد یا بازیگر در مورد آن به تنهایی تصمیم بگیرد. همچنین، بدون توجه به درون بازیگر در مورد امنیت نمی‌توان صحبت کرد. لذا امنیت کیفیتی اجتماعی و بخشی از قلمرو بین‌ذهنی است که حاصل استدلال و تعامل است (همان، ۶۰). از این رو، رویکرد سوم به امنیت رویکرد بین‌ذهنی است که مسأله امنیت یا خطر را منوط به اذهان یا ذهن جمعی می‌کند. این رویکرد بین‌ذهنی از امنیت نیز در چند دهه اخیر دچار تحولاتی شده و در قالب امنیت پایدار بیان می‌شود.

امنیت پایدار، دیگر مؤلفه کلیدی در این پژوهش، متضمن ورود به عرصه‌های جدیدی از موضوعات مربوط به امنیت است. این عرصه‌های جدید، مسأله امنیت را به بستری جدید و نوراه می‌برد که تنها شامل حوزه کلاسیک (نظامی) امنیت نمی‌شود. در این رویکرد، گستره‌های جدیدی از مسائل و مشکلات (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست-محیطی که بوزان و ویور نیز در مطالعات خود اشاراتی به آنها داشته‌اند)، مد نظر قرار می‌گیرد. این گستره نوین طیفی از نیازمندی‌ها (تقاضاها) را بازنمایی می‌کند که صرفاً با تدابیر نظامی قابل حصول نیست، بلکه باید در چارچوب خواست‌های تازه شهروندان معاصر که ابعاد منطقه‌ای، ملی و فراملی به خود گرفته است، بازتعریف شود. لذا تفاوت عمده و اصلی امنیت و امنیت پایدار را باید در گستره حوزه‌های دخیل در امنیت پایدار دانست که به مراتب گسترده‌تر از حوزه امنیت است. سطح تحلیل امنیت ملی پایدار، نه فرد و نه دولت، بلکه نظامی برآمده از تعامل و همکاری بین افراد و گروه‌هاست (نصیری، ۱۳۸۴: ۳۱۷).

در مسأله امنیت پایدار به جنبه‌های نرم توجه می‌شود و رضایتمندی مهم است. از این رو، مؤلفه‌هایی که در امنیت پایدار مد نظر است، تا حدی متفاوت با امنیت به معنی کلاسیک آن است. در زیر به برخی شاخص‌های مهم امنیت و امنیت پایدار (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۰) اشاره می‌شود:

جدول ۱. مقایسه شاخص های امنیت ملی و امنیت ملی پایدار

نوع امنیت	امنیت ملی	امنیت ملی پایدار
	دولت	جامعه
موضوع امنیت	سرزمین/نهاد	برابری فرصت ها
منبع نامنی	تهدید خارجی / شورش داخلی	واقعیت یا احساس تبعیض
کارگزار نامنی	نظامیان/سلاح های پیشرفته	شبکه های اخلاقی اجتماعی
نقش نخبگان سیاسی	تصمیم گیری راهبردی	تسهیلگری
دغدغه جامعه	بقا	بالندگی و رهایی بخشی
اولویت خطر	تهدیدهای خارجی	آسیب پذیری های داخلی
جایگاه هنجارهای بین المللی	تشریفاتی	فرصت های بین المللی
دغدغه دولت	تولید نظم و امنیت	توزیع امنیت و فرصت
مشارکت اجتماعی	عارضه غیرقابل انکار	ارزش قابل تحسین
رقابت نخبگان	شر لازم	فرصت بقا
روش تولید امنیت	وادار سازی	بازدارندگی و ترغیب
نظریه پرداز شاخص	هانس جی موگنتا	کیت کراوس و مایکل ویلیامز

منبع: عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۰

این مفهوم جدید امنیت به جای پارادیم کنترل در مبحث امنیت به معنی کلاسیک به این موضوع اشاره دارد که نمی توان همه پیامدهای ناامنی را به گونه ای موفقیت آمیز کنترل کرد؛ بلکه باید به رفع علل آن پرداخت و رویکرد حل مسأله را جایگزین کنترل کرد (بهرامیان، ۱۳۹۱). در نهایت، امنیت پایدار را می توان اطمینان قوی توأم با شواهد عینی نسبت به بقا، تداوم و استمرار وضعیت ها و نظام های مؤثر در حفظ و ارتقای فیزیک

جسمانی، هویت و دارایی‌های مادی و معنوی از سوی امنیت جویان در برابر تهدیدات موجود و متصور حال و آینده (قیصری، ۱۳۹۲: ۵۰) تعریف کرد.

هویت قومی و هویت ملی

مفهوم «هویت»^۱ به مجموعه پدیده‌هایی اشاره می‌کند که در ایجاد تصویر از خویشتن در ذهن فرد مؤثر است. هویت از نیازهای روانی انسان و پیشنیاز زیست اجتماعی وی و نیز فراهم آورنده چارچوب‌هایی برای شباهت‌ها و تفاوت‌هاست. دوام و بقای جامعه انسانی، مستلزم کنش‌های ارتباطی‌ای است که به معناسازی و هویت‌سازی منجر می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲). هویت هم در سطح فردی و هم در سطح جمعی معنا می‌یابد. «تمایز»^۲ و «دیگری»^۳ شالوده و بنیان مفهوم هویت را شکل می‌دهد.

هویت قومی و هویت ملی هر دو از سنخ هویت جمعی هستند. «هویت قومی» بر مبنای قومیت خاصی شکل می‌گیرد و مشروط به وجود آگاهی از وجود قومیتی خاص و عضویت در آن است. هویت قومی بر اساس ارجاع به ریشه مشترکی عمدتاً به صورت نیای مشترک، ویژگی‌های شخصیتی و فیزیکی مشترک، آداب و رسوم و زبان مشترک و... شکل می‌گیرد (فکوهی و دیگران، ۱۳۸۱). هویت قومی می‌تواند زیر مجموعه هویت ملی باشد. هویت ملی، هویتی است که گسترده‌ترین حوزه؛ یعنی یک جامعه را در بر می‌گیرد.^۴ هویت ملی احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نهادهای فرهنگی شامل ارزش‌ها، هنجارها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ مشترک یک ملت است. این عوامل به تمایز یک جامعه از جوامع دیگر منجر می‌شود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجا که مفهوم

1. Identity

2. difference

3. otherness

۴. البته، شایان ذکر است که در عصر جهانی شدن و پسامدرن شاهد شکل‌گیری هویت‌هایی هستیم که حوزه نفوذ آنها گستره جهانی است (نک. کاستلز، عصر اطلاعات، جلد دوم).

ملت در پیوند با مفهوم دولت است؛ بنابراین اندیشه‌ها، آثار، تجلیات هویت ملی در قالب دولت امکان ظهور و بروز می‌یابد. لذا وفاداری به دولت ملی لازمه هویت ملی است (برتون، ۱۳۸۰: ۲۶).

هویت ملی با هویت قومی به صورت ذاتی در تقابل و تضاد نیست. هویت قومی می‌تواند زیر مجموعه هویت ملی باشد؛ حتی این دو می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند؛ لکن این امر مشروط به آن است که از یک طرف هویت ملی عرصه بروز و ظهور به تکثر و تفاوت هویت‌های زیر مجموعه را بدهد و از طرف دیگر نیز هویت قومی، هویت کلان‌تر ملی را بپذیرد و قصد مقابله با آن را نداشته باشد؛ اما گاهی اوقات برخی از معادلات و سیاست‌ها چه به صورت عامدانه و چه ناخواسته این تعادل ظریف و حساس میان هویت قومی و هویت ملی را برهم زده، زمینه را برای ایجاد نارضایتی قومی و پیامدهای آن مهیا می‌کند. با متغیرهای مستقلی چون محرومیت نسبی یا آنچه هچتر^۱ استعمار داخلی می‌نامد، که بر اساس آن مرکز پیرامون را استثمار می‌کند و به توسعه‌ای ناموزون منجر می‌شود، هویت قومی در تضاد با هویت ملی قرار می‌گیرد. هویت قومی هنگامی به پایگاهی برای جنبش‌های سیاسی و کشمکش تبدیل می‌شود که مبنای تمایز تبعیض‌آمیز در میان اقوام قرار گیرد (رضوی آل هاشم و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). از آنجا که در عصر حاضر مبحث هویت و قومیت از حاشیه به متن آمده و نیز در امنیت پایدار که از اهداف حیاتی هر کشور است، توجه خاصی به هویت‌های قومی و اتحاد و همبستگی ملی شده است؛ لذا جمع بین هویت ملی و هویت قومی و هماهنگ کردن آن دو با یکدیگر در ایجاد امنیت پایدار در جامعه ضروری است؛ در غیر این صورت شاهد منازعات بی‌پایان و جنگ هویت‌ها خواهیم بود.

رابطه هویت و امنیت پایدار

چنان که در سطور پیشین اشاره شد، امنیت پایدار بدون توجه به ابعاد غیرنظامی امنیت امکان‌پذیر نیست. یکی از مؤلفه‌های غیرنظامی مربوط به امنیت پایدار مسأله هویت است. شکل‌گیری هویت در کلان‌ترین سطح جامعه؛ یعنی در سطح ملت یا به عبارت دیگر هویت ملی به ایجاد همبستگی و وحدت ملی منجر می‌شود. وحدت ملی به ایجاد ثبات در داخل کشور منجر شده و از درگیری‌های داخلی جلوگیری می‌کند. در شرایط فقدان وحدت ملی، کشورها با بی‌ثباتی و تنش‌های متنوعی روبه‌رو می‌گردند؛ برای مثال، در این مورد می‌توان به جنگ داخلی رواندا در ۱۹۹۴ اشاره کرد. وحدت و شکاف بین اکثریت هوتویی^۱ و اقلیت توتسی^۲ به جنگی داخلی منجر شد که بیش از پانصد هزار کشته و میلیون‌ها آواره و مهاجر بر جای گذاشت. این اتفاق در شرایطی رخ داد که بین این دو جمعیت قومی ریشه و خاطرات مشترکی وجود نداشت؛ زیرا شکل‌گیری کشور رواندا توسط استعمارگران بلژیکی و به صورت تصنعی بود تا به هویت مشترک منجر شود و از طریق هویت مشترک وحدت ملی شکل گیرد و ثبات و امنیت در کشور مستقر گردد. بدون شک، کشوری که در درون خود وحدت داشته باشد و با گروه‌های تجزیه‌طلب یا نفاق‌افکن مواجه نباشد، در مقابله با تهدیدهای خارجی بهتر عمل می‌کند. در این مورد می‌توان به اشغال ایران در طی جنگ جهانی دوم اشاره کرد. در اشغال ایران توسط متفقین و عدم مقاومت در برابر آن قطعاً عوامل گوناگونی دخیل بوده است؛ اما یکی از آن عوامل فقدان هویت ملی مشترک بوده است که ناشی از سیاست‌های ملی‌گرایانه و مدرنیزاسیون آمرانه رضاخان بود. اقدامات سرکوبگرانه رضاخان قومیت‌ها را از حقوق پیشین آنها محروم ساخته بود. از جمله اقدامات تبعیض‌آمیز رضاخان، تمرکزگرایی و ممنوعیت تدریس زبان مادری در مناطقی بود که اقوام ایرانی جمعیت غالب بودند، بویژه آذربایجان و کردستان. نشانه‌های فروپاشی هویت

1- Huto

2- Tutsi

مشترک ملی را می توان در شورش‌ها و تجزیه طلبی‌هایی که در دهه ۱۳۲۰ رخ داد، جستجو کرد؛ از جمله در واقعه آذربایجان و تشکیل دولت دموکرات توسط جعفر پیشه‌وری و جمهوری کردستان توسط قاضی محمد در کردستان می‌توان مشاهده نمود.

علاوه بر تأثیر هویت مشترک بر مسأله وحدت ملی، هویت مشترک در مشروعیت نظام سیاسی نیز نقش بسزایی دارد. اگر هویت ملی در مخالفت با نظام سیاسی قرار گیرد، مانند دوره حکومت پهلوی دوم- که دولت از ایدئولوژی ناسیونالیسم و با تأکید بر ایران باستان در مقابل ایران بعد از اسلام حمایت می‌کرد؛ در حالی که قریب به اتفاق ملت ایران به ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی تعلق خاطر داشتند - یا هویت ملی چند پاره شود- که یکی از علل آن می‌تواند تقویت هویت‌های قومی باشد- نظام سیاسی با بحران مشروعیت و فقدان اعتماد مردمی روبه‌رو می‌گردد. بنابراین، چالش‌های گوناگون داخلی و خارجی رخ خواهد داد که نظام ناتوان از اقدام عاجل برای حل آن‌هاست.

نظریه هویت اجتماعی^۱ (Tajfel 1978; Tajfel and Turner 1979) و شاخه نورسته آن نظریه «خود-مقوله سازی»^۲ توضیحی غیرمادی برای برساختن هویت و احساس تهدید فراهم می‌کنند. بر اساس نظریه هویت اجتماعی افراد به صورت غیرآگاهانه خود را در انواعی از مقوله بندی‌ها جای می‌دهند. این فرایند شناختی در هر جامعه‌ای اتفاق می‌افتد. اگرچه سرعت و اهمیت مقوله‌بندی در هر جامعه‌ای متفاوت است؛ اما مقوله‌بندی «خود» همواره با ساختن «دیگری» همراه است (Brewer & et al, 1998: 62). وفاداری به ارزش‌ها و باورهای گروه به ظهور و بروز نگرش‌های تعصب‌آمیز و رفتارهای تبعیض‌آمیز نسبت به اعضای خارج از گروه راه می‌برد (Wendt, 1999: 160). از این‌رو، توجه به گروه‌های قومیتی و تلاش برای اتحاد و همبستگی آنها ضمن جلوگیری از بروز دیدگاه‌های تعصب-

1. social identity theory

2. self-categorization

آمیز درون و برون گروهی برای جلوگیری از منازعات قومی - نژادی و ایجاد و تقویت امنیت پایدار ضروری است.

شکل‌گیری هویت ملی که هویت قومی را به چشم دیگری و رقیب ببیند، به رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به اعضای آن قومیت منجر می‌شود. در نتیجه تعصبات ملی‌گرایانه و رفتار تبعیض‌آمیز با گروه قومی، این گروه نیز درصدد مقابله برمی‌آید و از اینجاست که نزاع آغاز می‌شود، و امنیت کشور به خطر می‌افتد. بنابراین، ایجاد هویت مشترک ملی که تمام هویت‌های زیرین؛ از جمله هویت‌های قومی و مذهبی اقلیت را دربرگیرد و نه آن که درصدد حذف آن‌ها و یکسان‌سازی تمام مردم برآید، برای شکل‌گیری امنیت پایدار ضروری است. اگر گروه‌های قومی و اقلیت احساس ظلم و ستم کنند، در برابر هویت ملی واکنش نشان می‌دهند و اقدام به ایجاد هویت‌های مقاومت می‌کنند و هویت‌های مقاومت به ایجاد جماعت‌ها یا اجتماعات محلی و منطقه‌ای (کاستلز، عصر اطلاعات، جلد دوم، ۱۳۸۹: ۲۵) منجر شده، زمینه‌ساز شکل‌گیری تنش و مبارزه برای احقاق حقوق از دست رفته و رفع تبعیض می‌شود. در چنین شرایطی، طبیعی است که شاهد منازعات بی‌پایان بین هویت قومی و هویت ملی باشیم. لذا شکل‌گیری هویت ملی مشترک و مشروعیت بخش برای ایجاد امنیت پایدار، حفظ و تقویت آن ضروری است. هویت ملی متزلزل، متعارض و تضعیف شده از طریق کاهش وفاداری عمومی به ملت، کشور و نظام، کاهش تمایل به دفاع از میهن، تشدید تمایلات و اگرایانه تجزیه‌طلبی، کاهش مشروعیت نظام جمهوری اسلامی، کاهش روحیه ملی و انگیزه‌های پیشرفت، کاهش پرستیژ و غرور ملی و عدم امکان انتخاب راهبردهای کلان برای اداره جامعه و توسعه ملی (حاجیانی، ۱۳۹۱: ۱۴۰) را سبب می‌شود. از جمله هویت‌های قومی که در طی سالیان اخیر به علت‌های مختلف، از جمله آرمان ایجاد کردستان بزرگ گرایش - های گریز از مرکز و منازعه آمیز با هویت ملی داشته، اما همچنان به عنوان بخشی از هویت

ملی همبستگی خود را با سایر اقوام حفظ کرده، هویت قومی کرد؛ به ویژه در منطقه کردستان بوده که در زیر به معرفی جغرافیای سیاسی و فرهنگ مردم آن می‌پردازیم.

جغرافیای سیاسی و فرهنگ کردستان

خاستگاه سکونت مردم کرد، بخش‌هایی از غرب و شمال غرب ایران، مشرق و جنوب شرقی ترکیه، شمال و شمال شرقی عراق، سوریه و نیز بخش‌هایی از قفقاز، آذربایجان، ارمنستان و لبنان را در برمی‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱-۹). دو واژه «کردها» و «کردستان» در ادبیات مربوط به قومیت‌ها در ایران (کردستان) دارای بار معنایی خاصی هستند. واژه «کردها» متضمن چندپارگی فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جمعیتی است که در مناطق کردنشین سکونت داشته‌اند؛ اما واژه «کردستان» دارای بار ایدئولوژیک بوده؛ به جمعیت و سرزمینی اطلاق می‌شود که بین کشورهای مذکور پراکنده‌اند.

زبان قوم کرد (کردی) در قالب لهجه‌های خاصی چون «کرمانجی»، «سورانی»، «زرزا»، «گورانی» و «کلهر» از حیث ساختار و ریشه از شاخه‌های ایرانی زبان‌های هند و اروپایی است که در عین داشتن زیرساخت مشترک با زبان‌های ایرانی نظیر بلوچی، پشتو و فارسی، گونه خاصی از زبان است که اقوام و گروه‌های کرد را به هم پیوند می‌دهد و از عوامل یکپارچگی و تجانس این قوم به شمار می‌آید. از حیث مذهبی کردها به دو گروه سنی شافعی و شیعه تقسیم می‌شوند؛ برخلاف کردهای کردستان که اهل سنت و شافعی مذهب اند، کردهای منطقه کرمانشاه و ایلام عمدتاً شیعه هستند (درویشی وهمکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۱۷). کردها اگر چه در ریشه‌های نژادی، زبانی، تاریخی و بعضی خصلت‌های فرهنگی با بخش مرکزی کشور دارای مشترکاتی هستند؛ اما از جهت مذهبی، قومی و زبان محاوره با بخش مرکزی متفاوتند. در عوض، به علت سکونت در نواحی مرزی با نواحی کردنشین خارج از مرزها؛ به ویژه کشور عراق همگونی بیشتر و عمیق‌تری دارند. اجتماع این سه خصلت (مذهب، زبان، قومیت) که فصل ممیزه

کردها از بخش مرکزی ایران و در مقابل پدیدآورنده نیروی جاذبه میان پاره‌های فضایی کردنشین خاورمیانه شده است، زمینه بحران‌های مداوم در منطقه را فراهم آورده است (مطلبی، ۱۳۸۵: ۲۰). در رابطه با جمعیت مردم کرد در هیچ‌یک از کشورها آمار رسمی و دقیقی در دست نیست. بنابر اظهارنظرهای غیررسمی در ایران بین ۷ تا ۹ میلیون نفر جمعیت کرد به سر می‌برند؛ اما در مجموع جمعیت کردهای جهان را نزدیک به ۳۰ میلیون نفر و حتی بیشتر تخمین زده‌اند. بر این اساس است که این قوم را بزرگترین ملت بدون دولت دانسته‌اند (یوردشاهیان، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

موسیقی، رقص، مبارزات، پوشاک کردی، زبان و ادبیات کردی، تاریخ اجتماعی-سیاسی کردستان، مظلومیت و فشار همه‌جانبه، آوازهای کردی، پرچم سه رنگ خورشیدنشان، سرود کردستان، ملی‌گرایی قومی، پایبندی به آداب و رسوم و فرهنگ قومی و از همه مهم‌تر باور داشتن به هویت قومی خود و... همگی جزو مؤلفه‌های هویتی کردهاست (فکوهی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۵-۴۹). شرایط تاریخی و سیاسی، کردها را مردمی بارآورده که همواره منتظر وجود دشمن خارجی بوده‌اند. قرار گرفتن آنان در چهار کشور ایران، ترکیه، سوریه و عراق، آنان را به‌طور همزمان در مقابل فرهنگ‌های دیگر قرار داده و با چالش‌های هویتی و همچنین، هویت‌جویی قومی مواجه کرده است (درکنیان، ۱۳۷۲: ۵). صرف نظر از همه مسائل سیاسی به وجود آمده برای کردها، کردهای ایرانی به لحاظ تاریخی و سنتی خود را جزئی از ایران و تمدن و فرهنگ ایرانی و نژاد آریایی می‌دانند (koochi kamali, 2003:56). نباید کردها را به لحاظ هویتی خارج از چارچوب فرهنگی ایران بدانیم؛ زیرا آنان همواره بر ایرانی بودن خود تأکید دارند؛ اگر چه ممکن است از لحاظ سیاسی چندان مصداق نداشته باشد. می‌توان گفت هویت قومی کردها در طول هویت ایرانی آنها بوده است، مشروط بر اینکه ایران را در حوزه سیاسی آن خلاصه نکنیم (فکوهی و آموسی، ۱۳۸۸). همچنین باید عنوان کرد که تنها دولت‌های ایرانی

بوده‌اند که نام کردستان را بر این منطقه حفظ کرده‌اند^۱ و دیگر کشورها از جمله ترکیه، سوریه و عراق حتی از بردن نام کردستان خودداری کرده‌اند (عزتی و سیلو، ۱۳۸۹).

عوامل موثر بر شکل‌گیری هویت قومی در کردستان و تعارض با هویت ملی

در شکل‌گیری هویت قومی در کردستان می‌توان به دو دسته عوامل کلی داخلی و خارجی اشاره کرد. در ادامه به شرح مختصر این دو دسته از عوامل می‌پردازیم.

عوامل داخلی

قوم کرد همواره از هویت قومی و فرهنگی خاص خود برخوردار بوده است؛ اما این هویت محلی و قومی تا قبل از دوران مدرن - یعنی برآمدن رضاشاه - در تضاد با هویت ملی نبوده است. تداوم هویت کردی در میان اقوام کرد در طول قرون مرهون چهار عامل بوده است:

الف - حکومت‌های منطقه‌ای و محلی کرد که تا اواخر قرن نوزدهم پابرجا ماندند.

ب - ساختار عشیره‌ای که اقوام کرد را به شکل گروه‌هایی به هم پیوسته حفظ می‌کرد.

پ - شرایط جغرافیایی از جمله محصور بودن مناطق کردنشین در میان کوهستان که امکان دسترسی و حمله بدان‌جا را مشکل می‌سازد.

ت - عوامل فرهنگی: فرهنگ مردم کرد در طی سالیان و قرون متمادی پابرجا و از گزند حوادث مصون مانده است.

عامل فرهنگی نقش عمده‌ای در تداوم هویت کردی در قرن بیستم داشته است؛ زیرا حکومت‌های محلی کرد در آغاز قرن بیستم نابود شدند و جای آنها را دولت-ملت‌های متمرکز در ایران، ترکیه، عراق و سوریه گرفت که خودمختاری محلی کردها را نادیده

۱. شایان ذکر است که در کشور عراق نیز پس از تغییر رژیم در سال ۲۰۰۳، منطقه کردستان به همین نام؛ یعنی اقلیم کردستان خوانده می‌شود؛ اما تنها در ایران در طول تاریخ نام کردستان همواره پابرجا بوده است.

گرفت. همچنین، این دولت سملت‌ها که بر مدرنیزاسیون آمرانه و شهرنشینی تأکید می‌کردند، ساختار عشیره‌ای را از بین بردند. اگر چه پیشرفت تکنولوژی مانع شرایط جغرافیایی را از بین برده؛ اما عامل فرهنگی همچنان تداوم داشته است (عبدالله ابریشمی، ۱۳۸۵: ۶-۷). با توجه به اینکه عامل فرهنگی عامل تداوم هویت قومی در کردستان بوده است؛ لیکن عامل فرهنگی به تنهایی نمی‌تواند موجبات شکل‌گیری منازعه هویت قومی با هویت ملی شود. بدون شک، عوامل دیگری در شکل‌گیری هویت قومی متعارض با هویت ملی در بین مردم کرد نقش داشته‌اند که می‌توان به بخشی از آنها اشاره کرد.

در ابتدا اولین عامل در شکل‌گیری هویت متعارض قومی در کردستان با هویت ملی را باید در سیاست‌های نوسازی رضاشاه جستجو کرد. با تأسیس حکومت پهلوی ایدئولوژی رسمی دولت مبتنی بر ناسیونالیسم فارس‌گرا بود که همانندسازی را تشویق می‌کرد و درصدد انکار تنوع قومی بود (جلائی پور، ۱۳۷۹). وی با هدف ملت‌سازی به سبک اروپاییان درصدد یکسان‌سازی و حذف تفاوت‌های قومی، منطقه‌ای بود. از جمله ابزارهای او در این راستا، کوچ‌نشینی اجباری و خلع سلاح عشایر، تدریس اجباری زبان فارسی و ممنوعیت تدریس زبان مادری، لباس متحدالشکل و اجباری بود. در نتیجه اقدامات رضاشاه برای نخستین بار در تاریخ ایران گرایش‌های سیاسی-ملی در کردستان بروز کرد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۷۲).

پس از انقلاب اسلامی امید می‌رفت که مسائل و مشکلات کردستان رفع گردد؛ اما بی‌توجهی به نیازها و مطالبات کردها سبب شد که همچنان تعارضات و تضادها پابرجا بماند. مردم و نخبگان کردستان خواهان خودمختاری بودند. در نتیجه، اختلافاتی میان نیروهای سیاسی کرد و دولت مرکزی روی داد (صالحی، همان: ۱۷۴). متأسفانه، برخورد

امنیتی و خشن دولت مرکزی سبب شد که امیدها به یأس تبدیل شود و معضل کردستان همچنان لاینحل باقی بماند و هویت قومی در منطقه متعارض تر با هویت ملی شود.

عامل دیگر در شکل‌گیری هویت قومی متعارض در استان‌های قومی به طور عام و استان‌های کردنشین به طور خاص، سطح پایین توسعه‌یافتگی است که می‌توان از آن با نابرابری ناحیه‌ای هم یاد کرد. رضا صالحی امیری با استفاده از شاخص‌های گوناگون به بررسی درجه توسعه‌یافتگی استان‌های قومی و استان‌های دیگر از سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ پرداخته است. همچنین، مطالعه‌ای دیگر توسط ابوالفضل قنبری براساس آمارهای سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است. در ذیل به خلاصه‌ای از نتایج این مطالعات اشاره می‌کنیم.

در سال ۱۳۶۵ درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کردستان و کرمانشاه، به ترتیب ۰.۰۹۵ و ۰.۰۹۶ بوده است در حالی که این شاخص برای استان‌هایی مانند: خراسان، اصفهان و تهران به ترتیب ۰.۱۶۴، ۰.۳۴۰، ۰.۲۵۷ بوده است.

از نظر شاخص اقتصادی درجه توسعه‌یافتگی کردستان و کرمانشاه در ۱۳۶۵ به ترتیب ۰.۰۷۰، ۰.۰۴۰؛ در حالی که برای استان‌های خراسان، اصفهان، تهران به ترتیب ۰.۱۹۵، ۰.۳۱۰، ۰.۲۳۷ بوده است.

درجه توسعه‌یافتگی شاخص فرهنگی در سال ۱۳۶۵ برای استان‌های کردستان، کرمانشاه به ترتیب ۰.۰۷۰، ۰.۰۸۴ بوده است؛ اما همین شاخص برای استان‌های خراسان، اصفهان و تهران به ترتیب ۰.۱۴۳، ۰.۳۴۸، ۰.۲۶۴ بوده است.

درجه توسعه‌یافتگی در سال ۱۳۷۵ در استان‌های کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۰.۰۹۲، ۰.۰۴۱ بوده؛ در حالی که این درجه برای استان‌های خراسان، اصفهان و تهران به ترتیب ۰.۱۴۷، ۰.۲۲۶، ۰.۲۰۰ است.

از نظر شاخص اقتصادی درجه توسعه‌یافتگی کردستان و کرمانشاه در ۱۳۷۵ به ترتیب ۰.۰۸۶، ۰.۰۲۲ بوده؛ در حالی که برای استان‌های خراسان، اصفهان و تهران به ترتیب ۰.۱۳۷، ۰.۲۲۴، ۰.۲۱۵ بوده است.

درجه توسعه‌یافتگی شاخص فرهنگی در سال ۱۳۷۵ برای استان‌های کردستان و کرمانشاه به ترتیب ۰.۱۳۱، ۰.۰۹۴ بوده و همین شاخص برای استان‌های خراسان، اصفهان و تهران به ترتیب ۰.۱۲۰، ۰.۲۸۵، ۰.۳۸۸ است.

با توجه به درجه توسعه‌یافتگی رتبه استان‌های کردستان و کرمانشاه در توسعه‌یافتگی بین ۲۳ استان در سال ۱۳۵۵، به ترتیب ۱۹ و ۱۱ بوده است. در سال ۱۳۶۵ بین ۲۴ استان به ترتیب در رتبه‌های ۲۳ و ۲۲ قرار گرفته‌اند و در سال ۱۳۷۵ در رتبه‌های ۱۸ و ۲۳ (همان: ۲۱۶-۱۹۲).

چنان‌که آمار و ارقام نشان می‌دهد، استان‌های قومی بویژه استان‌های کردنشین از لحاظ شاخص‌های توسعه وضعیت مطلوبی ندارند و بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ تغییری معنادار در وضعیت توسعه‌یافتگی این استان‌ها مشاهده نمی‌شود و فاصله بین استان‌های توسعه‌یافته که عمدتاً فارس‌نشین هستند و استان‌های توسعه نیافته که عمدتاً قومیت نشین اند، حفظ شده است.

بر اساس مطالعه ابوالفضل قنبری برای تعیین رتبه‌بندی سطوح توسعه استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ که تقسیمات سیاسی-اداری کشور ۳۰ استان بوده است، به لحاظ درجه توسعه‌یافتگی از میان ۳۰ استان کشور، استان‌های تهران، سمنان، یزد، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان و مازندران توسعه یافته به شمار می‌روند. هفده استان کشور نیز در زمره نیمه توسعه‌یافته‌ها مطرح هستند که در صدر آنها چهارمحال بختیاری و در انتهای آنها خوزستان قرار دارد؛ اما استان‌های کردنشین همچنان در رده‌های انتهایی جدول قرار دارند؛ به طوری که آذربایجان غربی با رتبه ۲۹، کردستان با رتبه ۲۸، و کرمانشاه با رتبه ۲۷ در

انتهای جدول و قبل از سیستان و بلوچستان قرار گرفته‌اند و تنها استان ایلام توانسته است که همچنان در مسیر سیاست‌های توسعه‌ای دولت قرار گرفته و در میان استان‌های در حال توسعه و یا نیمه توسعه خود را حفظ کند (قنبری، ۱۳۹۲: ۱۷۴-۱۷۹).

طبق آمار مذکور در مناطق کردنشین کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی در پایین‌ترین حد نسبت به مناطق مرکزی قرار دارد. بیکاری، فقر و ناامنی انسانی سبب ایجاد چرخه معیوب و پایان‌ناپذیر توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در این مناطق (کردنشین) شده و خواهد شد. اتفاقاتی که در این مناطق اتفاق افتاده است، بارها و بارها توجه ویژه مسئولان را به این نواحی جلب نموده است؛ مانند درگیری‌ها و منازعات مسلحانه با نیروهای حکومتی، که باعث تولید نگاه امنیتی به این منطقه شده، به تشدید نابرابری این منطقه با مناطق مرکزی کشور منجر شده است (ایلامی، ۱۳۹۳). توسعه نیافتگی مناطق کردنشین به محرومیت و نبود عدالت در بین مردم مناطق کردنشین منجر می‌شود که در نهایت فضای مناسبی برای رشد و نمو قوم‌گرایی را فراهم می‌کند. اغلب با کردها به مثابه دیگری رفتار می‌شود و در کمتر کاری اولویت با کردهاست. پس هرگاه مردم چنین فشارهایی را از محیط اجتماعی می‌بینند، خواه‌ناخواه به دوری کردن و بریدن از این محیط متمایل می‌شوند، بنابراین، هویت کردی می‌تواند مقوله‌ای باشد که در مقابل هویت ملی و سیاسی شده ایرانی شکل می‌گیرد. مجموع این احساسات و رفتارها متأسفانه گرایش به گریز از هویت ملی را تقویت می‌کند (فکوهی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۸). در نتیجه شرایط مناسبی را برای تبلیغات و حضور رسانه‌ها و تلویزیون‌های برون مرزی و نیروهای خودمختاری خواه و جدایی طلب (به عنوان عامل خارجی ایجاد ناامنی) فراهم می‌کند. چون این نیروها ادعا می‌کنند که از حقوق مردم کرد دفاع می‌کنند، در میان مردم از جایگاه برجسته‌ای برخوردارند و مردم نه در ظاهر؛ اما باطنا به آن‌ها گرایش دارند. در بسیاری از خانواده‌ها به‌ویژه خانواده‌های

روستایی از رهبران و اعضا احزاب مخالف به نیکی یاد می‌شود (فکوهی و همکاران، همان: ۶۷).

جدول زیر نشان‌دهنده میزان تعلق به مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد است. چنان‌که نتایج جدول نشان می‌دهد، بین احساس محرومیت و تبعیض از یک سو و هویت ملی از طرف دیگر رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که هر چه احساس محرومیت افزایش یابد، پایداری به هویت ملی کاهش می‌یابد و برعکس (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۶). البته، همان‌گونه که در جدول (۲) دیده می‌شود، پایداری در مورد هویت ملی نیز در سطح نسبتاً خوبی قرار دارد؛ لیکن نسبت به پایداری به هویت قومی پایین‌تر است. بیشترین عدم پایداری نسبت به مؤلفه دولت ملی است که نشان‌دهنده نارضایتی از عملکرد دولت است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که در حوزه مؤلفه‌های فرهنگی کردها پایداری بالایی به هویت ملی دارند؛ اما در بعد سیاسی هویت ملی، کردها عدم پایداری را نشان می‌دهند.

جدول ۲. میزان پابندی به هویت ملی در مناطق کردنشین

مؤلفه‌ها	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سرزمین ملی	۲۵	۷/۱	۲۱	۶	۷۴	۲۱/۱	۱۵۳	۴۳/۷	۷۷	۲۲
سرزمین قومی	۲	۰/۶	۲	۰/۶	۲۴	۶/۹	۱۰۴	۲۹/۷	۲۱۸	۶۲/۳
زبان ملی	۲۳	۶/۶	۳۳	۹/۴	۹۹	۲۸/۳	۱۰۸	۳۰/۹	۸۷	۲۴/۹
زبان قومی	۵	۱/۴	۵	۱/۴	۴۰	۱۱/۴	۸۰	۲۲/۹	۲۲۰	۶۲/۹
تاریخ ملی	۱۴	۴	۳۷	۱۰/۶	۷۴	۲۱/۱	۱۱۲	۳۲	۱۱۳	۳۲/۳
تاریخ قومی	۲	۰/۶	۸	۲/۳	۲۰	۵/۷	۱۳۲	۳۷/۷	۱۸۸	۵۳/۷
میراث ملی	۷۱	۲۰/۳	۴۹	۱۴	۹۷	۲۷/۷	۷۲	۲۰/۶	۶۱	۱۷
میراث قومی	۳۵	۱۰	۴۸	۱۳/۷	۱۱۹	۳۴	۷۵	۲۱/۴	۷۳	۲۰/۹
هنر ملی	۱۰	۲/۹	۳۷	۱۰/۶	۷۲	۲۰/۶	۱۵۲	۴۳/۴	۷۹	۲۲/۶
هنر قومی	۷	۲	۱۱	۳/۱	۳۶	۱۰/۳	۱۰۶	۳۰/۳	۱۹۰	۵۴/۳
مفاخر ملی	۴	۱/۱	۹	۲/۶	۵۰	۱۴/۳	۱۵۵	۴۴/۳	۱۳۲	۳۷/۷
مفاخر قومی	۱	۰/۳	۲	۰/۶	۳۱	۸/۹	۱۲۵	۳۵/۷	۱۹۱	۵۴/۶
دولت ملی	۱۲۷	۳۶/۳	۱۳۶	۳۸/۹	۶۶	۱۸/۹	۱۹	۵/۴	۲	۰/۶
هویت ملی	۱۳	۳/۷	۳۴	۹/۷	۱۰۹	۳۱/۱	۱۲۶	۳۶	۶۸	۱۹/۴
هویت قومی	۵	۱/۴	۱۳	۳/۷	۵۴	۱۵/۴	۱۱۱	۳۱/۷	۱۶۷	۴۷/۷
تعلق ملی	۱۰	۲/۹	۲۸	۸	۱۰۱	۲۸/۹	۱۳۵	۳۸/۶	۷۶	۲۱/۷
تعهد ملی	۱۸	۵/۱	۸۱	۲۳/۱	۱۸۷	۵۳/۴	۶۲	۱۷/۷	۲	۶
تعلق قومی	۵	۱/۴	۱۴	۴	۴۹	۱۴	۱۱۲	۳۲	۱۷۰	۴۸/۶
تعهد قومی	۳۳	۹/۴	۱۰۹	۳۱/۱	۱۴۱	۴۰/۳	۵۲	۱۴/۹	۱۵	۴/۳

منبع: محمد حسن مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۶

همین‌طور می‌توان از عامل زبان کردی یاد کرد. عنصر زبان که شاخص مهم و اساسی در مبحث همگرایی و عامل پیوند فرهنگی بین افراد است، باید بیشتر مدنظر قرار گیرد. اگر به این عنصر توجه نشود و در جهت یکپارچه‌سازی و به حاشیه‌راندن زبان‌های دیگر، از جمله زبان کردی عمل شود، با توجه به گوناگونی زبانی و سیاست‌های نادرست گذشته در تحقیر اقوام با زبان‌های گوناگون این عامل به صورت عنصر واگرا عمل می‌کند (Aghajanian, 1983) و سبب تشدید خواسته‌های تجزیه‌طلبانه و ایجاد ناامنی در این مناطق و کاهش امنیت پایدار نظام می‌شود.

عوامل خارجی

در ابتدا در گستره‌ای کلان می‌توان از مبحث جهانی شدن یاد کرد که سبب احیای مجدد خرده فرهنگ ها و هویت ها در سراسر جهان شده است. در جهانی‌شدن انسان دچار سرگشتگی و اضطراب است و برای رسیدن به آرامش به دنبال هویتی می‌گردد که بدان چنگ زند. از آنجا که در عصر جهانی‌شدن هویت ملی به علت ضعف دولت ملی از یک سو و تحلیل و گسستن بندهای جامعه مدنی از دیگر سو، تضعیف می‌شود، نمی‌تواند پناهگاهی برای گریز از اضطراب فرایند جهانی شدن باشد. بنابراین، جستجوی معنا فقط در بازسازی هویت‌هایی حول اصول اشتراکی و محلی امکان پذیر می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹، عصر اطلاعات، جلد دوم: ۲۸). همچنین، افول و ضعف دولت ملی امکان سرکوب سریع یا خشن جنبش‌های قومی را از دولت سلب می‌کند و در مقابل امکان پیشبرد اهداف و خواسته‌های قومی را به قومیت‌ها می‌دهد (نساج، ۱۳۷۸: ۱۳۱)؛ چنان‌که از سیطره دولت‌ها بر قومیت‌ها کاسته و دولت‌ها را به چانه‌زنی با گروه‌های قومی واداشته است (قوام، ۱۳۸۲: ۳۱۴-۳۲۰).

همچنین، جهانی‌شدن با توسعه ارتباطات و شبکه‌های اطلاع رسانی، باعث شده که گروه‌های فراملی با داشتن تریبون‌های مختلف رسانه‌ای، جایگاه برتری نسبت به دولت‌ها در فرهنگ‌سازی یا ایجاد شکاف در دیوار فرهنگ ملی بیابند. افزون بر این، با کم‌رنگ شدن نقش مرزهای سیاسی، فاصله میان گروه‌های قومی در درون و بیرون از مرزهای سیاسی نیز کاهش یافته است. این امر باعث افزایش نقش این گروه‌ها شده است. پیشرفت‌های فناورانه، آگاهی اقلیت‌ها را در قبال تمایز خود با سایر گروه‌ها افزایش می‌دهد و هنگامی که دولت مرکزی درصدد بسط نفوذ فرهنگی خویش در مناطق قومی برمی‌آید، واکنش دشمنانه قومیت‌ها آغاز می‌شود (نادرپور، ۱۳۸۹: ۲۳۹). از این رو، جهانی شدن از مهمترین عواملی است که به تقویت هویت قومی در بین مردم کرد منجر شده است؛ زیرا ابتدا از

آگاهی قومی نسبت به خود برخوردار شده‌اند؛ دوم آن‌که امکان ارتباط با افراد هم قوم خویش در دیگر نقاط جهان؛ به‌ویژه در مناطق کردنشین عراق و ترکیه را به‌دست آورده‌اند. از طرف دیگر، ضعف اقتدار دولت در نتیجه جهانی‌شدن سبب شده است که نتواند سیطره خود را بر مناطق کردنشین به‌طور کامل اعمال کند و ما شاهد شکل‌گیری هسته‌های مقاومت - مانند گروهک پژاک- هستیم که عمدتاً تجزیه‌طلب هستند و جایگاه اجتماعی چندانی نیز ندارند.

دیگر عامل مهم و بسیار تأثیرگذار در دهه اخیر، تشکیل اقلیم کردستان عراق است که تنها دولت بر مبنای ناسیونالیسم قومی کرد است و آرزوی دیرینه کردها برای ایجاد کردستان بزرگ را به حقیقت نزدیک‌تر کرده است. موقعیت اقتصادی ویژه و امنیت کردستان عراق منجر شده است که این منطقه به گردشگاهی برای توریسم خارجی تبدیل گردد و لذا بازار کار مناسبی برای مردمان کرد فراهم آورد که سبب‌ساز رفت و آمد بین کردستان ایران و عراق می‌شود. این رفت و آمدها و تعاملات به ایجاد همبستگی و تقویت بیشتر هویت مشترک منجر می‌شود که هویت ملی را به چالش می‌کشد. این منطقه همچنین می‌تواند به عنوان الگویی در بین مردم کردنشین دیگر کشورها مانند ایران و ترکیه دیده شود و چالش فرهنگی و امنیتی برای کشورهای دیگر فراهم آورد (Duin, 2004: 18). در مجموع، تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق موجب تقویت احساسات ملی‌گرایانه مردم کرد در کل منطقه شده است (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۱).

همچنین، انتخاب جلال طالبانی به عنوان یک کرد به ریاست جمهوری کشور عراق، رسمیت یافتن زبان کردی در کنار زبان عربی، وضعیت اقتصادی روبه‌رشد و رفاه، رسمیت یافتن عید نوروز به عنوان عید ملی کردها و مشارکت گسترده کردها در قدرت، باعث شده اقوام کرد ساکن مرزهای ایران و به‌ویژه کردستان چنین مطالباتی را به شیوه‌های گوناگون (خشونت آمیز و مسالمت آمیز) پی‌گیری کنند و خواستار اعطای اختیارات سیاسی و

اقتصادی به قوم خود شوند. به عبارتی، تأثیرپذیری از قدرت یابی کردها در عراق به شیوه فدرالیسم سبب رواج و گرایش به اندیشه فدرالیسم میان کردهای کردستان شده که این امر سبب نگرانی و نیز مخدوش سازی یکپارچگی ملی می شود. این جریان موجب تغییر و ارتقای شعار سنتی احزاب و گروه‌ای کرد مخالف ایرانی از خودمختاری به فدرالیسم شده است (پیشگامی فرد و نصرالهی زاده، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

از آنچه در بالا گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که تحت تأثیر دو دسته از عوامل داخلی و خارجی هویت قومی در کردستان در حال تقویت و افزایش تعارض با هویت ملی است؛ اما خوشبختانه هنوز پیوندهای فرهنگی و اشتراکات تاریخی بسیاری بین کردستان و دیگر مناطق ایران وجود دارد که در صورت اجرای سیاستی معقول و منطقی، امید است که این تعارض کاهش یابد. با این حال، تا به امروز نظام در این منطقه از کشور با مشکلات متناوبی مواجه بوده که سبب ترس و هراس مردم و نیز به چالش کشیدن امنیت پایدار شده است.

چالش‌های امنیتی در کردستان

نحوه تعامل حاکمیت و دولت با تنوع قومی و برخورد دموکراتیک با آن می‌تواند عامل مهمی در همگرایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و فرصتی برای تقویت امنیت کشور و تضمین آینده یا همان امنیت پایدار آن کشور باشد. در غیر این صورت، موجب تهدید منافع ملی شده و به تنش‌ها و تعارضات قومی دامن زده و نظام اجتماعی و سیاسی را دچار مشکل می‌کند. همچنین، ناآرامی کشورهای منطقه به واسطه تنش‌های قومی - برای مثال، مبارزات حزب کارگران کردستان^۱ در ترکیه و ایجاد تنش‌های ناشی از آن - نیز می‌تواند قومیت‌های داخل کشور را تحریک کند و عاملی در ایجاد بحران و یا تقویت آن باشد. بر

۱. پارتیا کارکه رین کوردستان

این مبنا می‌توان یکی از اساسی‌ترین چالش‌های امنیتی کشور در منطقه کردستان را ناشی از هویت‌جویی قومی یا بازتعریف هویت اجتماعی قوم کرد در نتیجه تأثیرگذاری عواملی که در بالا بدان اشاره شد، دانست.

فدرالیسم و تشکیل اقلیم خودمختار کردستان عراق

در مبحث عوامل خارجی به تأثیرات کردستان عراق بر هویت کردی به طور مبسوط‌تری اشاره شد. تأثیرات دولت منطقه‌ای کردستان در بعد فرهنگی و از لحاظ ترویج و اشاعه فرهنگ و هویت کردی را می‌توان در مواردی از تأسیس صدها مدرسه و چندین دانشگاه که صدها دانشجوی کرد از مناطق دیگر در آن تحصیل می‌کنند، انتشار مطبوعات کردی زبان، تأسیس کانال‌های رادیویی و تلویزیونی، راه‌اندازی هزاران سایت و وبلاگ، بزرگداشت شخصیت‌های علمی و فرهنگی کرد، قابل مشاهده است. در نتیجه شرایط ایده‌آلی که در کردستان عراق ایجاد شده، سبب شده سایر مناطق کردنشین، از جمله کردستان ایران در فکر وضعیتی مشابه با آن باشند؛ یعنی خودگردانی (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۲-۱۴۸). در نهایت، می‌توان گفت که خودگردانی کردستان عراق از نظر فرهنگی-سیاسی پتانسیل و امکان تقویت هویت قومی کرد و افزایش مطالبات سیاسی و فرهنگی آنان از دولت مرکزی را افزایش می‌دهد.

عدم توسعه یافتگی اقتصادی

چنانچه طبق آمارها و بررسی‌های انجام شده و معتبر درون کشور که در صفحات پیشین ذکر شد، مناطق کردنشین ایران و از جمله کردستان به لحاظ اقتصادی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برند، به لحاظ توسعه اقتصادی در پایین‌ترین رتبه‌بندی‌ها قرار گرفته و نسبت به مناطق مرکزی دارای بدترین وضعیت و رفاه هستند. براساس گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸) تهیه شده توسط سازمان برنامه و بودجه وضعیت توسعه

انسانی^۱ و شاخص فقر انسانی^۲ بعضی استان‌های کشور در بین ۲۶ استان به شرح زیر است:

جدول ۳. بررسی شاخص توسعه انسانی و شاخص فقر انسانی بین چند استان کشور

استان	شاخص توسعه انسانی	رتبه	شاخص فقر انسانی	رتبه
آذربایجان غربی	۰/۶۵	۲۱	۳۰.۴	۲۳
ایلام	۰/۶۷۵	۱۴	۲۳.۷	۱۴
کردستان	۰/۶۱۹	۲۴	۳۱.۷	۲۴
کرمانشاه	۰/۷۴۷	۱۶	۲۴.۸	۱۶
تهران	۰/۸۴۲	۱	۱۱.۳	۱
اصفهان	۰/۷۸۹	۳	۱۵.۴	۳

منبع: گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸)

از نظر شاخص توسعه انسانی، تهران با رقم ۰/۸۴۲ بهترین وضعیت را دارد و استان کردستان بعد از سیستان و بلوچستان با رقم ۰/۶۱۹ و با رتبه ۲۵ بدترین وضعیت را دارد. در مقایسه شاخص فقر انسانی نیز استان‌های کردستان در مقایسه با استان‌های فارسی زبان وضعیت مطلوبی ندارند. همچنین، براساس گزارش مرکز آمار ایران، وضعیت بیکاری در سال‌های ۹۰ و ۹۱ در استان‌های مختلف کشور به شرح ذیل است:

۱. شاخص توسعه انسانی (HDI) متشکل از سه شاخص سطح درآمد، امید به زندگی و سطح تحصیلات است. هر چه شاخص به سمت یک میل کند، نشان دهنده توسعه یافتگی بیشتر است.

۲. شاخص فقر انسانی (HPI) مبتنی بر شاخص توسعه انسانی است و به درصد محاسبه می‌گردد. هر چه مقدار درصد بالاتر باشد، نشان دهنده گسترش بیشتر فقر است.

جدول ۴. وضعیت بیکاری در برخی استان های کشور

استان	نرخ بیکاری پاییز ۹۱ به (درصد)	نرخ بیکاری پاییز ۹۰ به (درصد)
آذربایجان غربی	۱۰.۸	۱۲.۳
ایلام	۱۵	۱۴.۶
کردستان	۱۵.۶	۱۵.۵
کرمانشاه	۱۸.۸	۲۰.۱
تهران	۹.۵	۹
اصفهان	۱۳.۳	۱۱.۲
خراسان رضوی	۷.۹	۸.۱
لرستان	۲۰	۱۸.۸

منبع: گزارش مرکز آمار ایران در مورد نرخ بیکاری (فروردین ۹۳)

براساس این گزارش، استان کردستان بعد از لرستان بالاترین نرخ بیکاری را دارد. همچنین، چنان که در جدول مشاهده می شود، نرخ بیکاری در استان کرمانشاه نسبت به استان های مرکزی ایران مانند تهران و اصفهان بالاست. آگاهی مردم از وضعیت بد اقتصادی و احساس محرومیت و فقدان عدالت اجتماعی در این منطقه سبب شده مردم مطالبات خود را از دولت مرکزی افزایش دهند و معترض وضعیت کنونی خود باشند.

از آنجا که در نظریات امنیت پایدار، کیفیت زندگی، محور کانونی مباحث قلمداد می شود، این مفهوم متضمن حاکمیت شریطی است که در چارچوب آن، دولت ها به حقوق شهروندی احترام بگذارند. از این رو، توسعه و پایداری امنیت نتیجه کاهش فقر، بیکاری و برابری شهروندان است و می توان چرخه ای را تصور کرد که فقر و کاهش سایر مؤلفه های

مرتبط با امنیت انسانی، منجر به ناامنی و ناامنی به توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه منجر خواهد شد (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۳۹).

تبعیضات فرهنگی و اجتماعی

تبعیضات مذهبی (عدم انتخاب استادان سنی مذهب و کرد) و فرهنگی (مخالفت با زبان کردی و لباس کردی در ادارات دولتی؛ عدم نامگذاری خیابان‌ها و مدارس به نام مشاهیر کرد)، و سرکوب مطالبات و خواست‌های فرهنگی و اجتماعی مردم کرد؛ فقر و کمبود در زمینه وجود امکانات فرهنگی در استان کردستان در مقایسه با سایر مناطق؛ به ویژه استان‌های مرکزی و فارس‌نشین، نابرابری‌های مشهود در سیاست‌های فرهنگی دولت مرکزی ایران، مانند ممنوع کردن تدریس زبان کردی نه تنها در مدارس، بلکه در دانشگاه‌های کشور، در حالی که زبان و ادبیات کردی در دانشگاه‌های معتبر جهان، از جمله: بغداد، مسکو، فلوریدا، سوربن و... تا سطح دکترا تدریس می‌شود (کهنه‌پوشی، ۱۳۸۳) در کنار معضلات اقتصادی که بدان اشاره شد؛ زمینه را برای شکل‌گیری هویت کردی متمایز و شکاف بین این هویت و هویت ملی فراهم کرده است. در این میان بعضی گروهک‌های تجزیه‌طلب سعی در بهره‌برداری از این شکاف دارند.

این گروهک‌ها با کمک‌های مالی مخالفان نظام و اعلام حمایت از خواست‌های مردم کرد به عضوگیری از میان جوانان این منطقه و اقدامات خصمانه اقدام می‌کنند. از جمله اقدامات آنان می‌توان به حمله به پاسگاه راهنمایی و رانندگی روانسر در سال ۱۳۸۸ اشاره کرد که به کشته شدن ۱۸ نفر و مجروح شدن ۱۱ نفر انجامید و حمله به پاسگاه انتظامی روانسر که به کشته شدن ۳ نفر از مأموران نیروی انتظامی و ۴ نفر از افراد پژاک منجر شد. بمب‌گذاری در مراسم رژه ارتش در مهاباد که به شهادت ۱۱ نفر از زنان و کودکان بی‌گناه انجامید، نیز از جمله اقدامات گروه پژاک است (جام جم، ۱۷ شهریور ۱۳۹۰).

بررسی نقش هویت قومی بر امنیت پایدار... / ۱۷۳

همچنین، می‌توان به فعالیت‌های این گروه در مرداد ماه سال ۱۳۸۹ اشاره کرد که تلفات سنگینی از دو طرف به جای گذاشت (از جمله شهادت فرمانده بسیج و کشته‌شدن صدها تن از اعضای پژاک) و باعث ایجاد ناامنی در منطقه گردید.



نتیجه‌گیری و ارائه راهکارها

در صفحات پیشین استدلال شد که بخشی از مسأله امنیت پایدار منوط به تعامل هویت قومی و هویت ملی و جذب هویت قومی در هویت ملی است. لذا مسأله امنیت برای دولت‌ها که به دنبال حفظ حاکمیت خود هستند، امری ضروری است. براین اساس، دولت نقش اساسی در تنظیم رابطه بین هویت قومی و ملی و تضمین امنیت پایدار بر عهده دارد. باید پذیرفت که حضور و وجود قومیت‌های گوناگون در کشور ما یک واقعیت است و همچنین، طبق آمارهای اعلام شده پایین‌ترین شاخص‌های توسعه یافتگی و نیز بالاترین سطوح محرومیت نسبی در کشور متعلق به گروه‌های قومی و از جمله «قوم کرد» است. با وجود این و علی‌رغم تبعیض‌های مذهبی و فرهنگی که بر این قوم اعمال می‌شود، قوم کرد به لحاظ فرهنگی خود را جزئی از ایران می‌داند (رک. جدول ۲) که مشارکت حداکثری در انتخابات ریاست جمهوری اخیر و نیز حضور گسترده و پذیرایی پرشور از رهبری در سفر به استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام را می‌توان شاهدی بر این مدعا دانست. همچنین، با توجه به اینکه تحولات اخیر کشور عراق و تشکیل اقلیم خودمختار کردستان تأثیر فراوانی بر آگاهی و افزایش مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کردستان ایران از دولت مرکزی بر جای گذاشته؛ اما تأثیر چندانی بر الگوی رفتار مسالمت‌آمیز آنان با سایر اقوام ایرانی و ایجاد واگرایی سیاسی به گونه‌ای که در ترکیه، سوریه و عراق دیده شده، نداشته است.

پیشنهادها و راهکارهای این مقاله برای جذب کامل هویت قومی کرد در هویت ملی و تضمین امنیت ملی پایدار، این است که دولت می‌تواند (باید) در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی سیاست‌های گذشته خویش را ترک و یا تعدیل نماید و سیاست‌هایی را در پیش گیرد که قوم کرد علاوه بر حوزه فرهنگی، در حوزه‌های دیگر نیز خود را جزئی از هویت کلان ملی-ایرانی بداند. این حوزه‌ها عبارتند از:

حوزه سیاسی

• ارج نهادن به نخبگان قوم کرد به عنوان راهبر جنبش‌های این قوم و توجه به نقش تعدیل‌کننده آنها؛ بویژه اینکه هر قومی از ایده سیاسی نخبگان خود به شدت حمایت می‌کند؛

- پرهیز از تمرکزگرایی و عدم انتخاب مدیران دولتی، از جمله استانداران از سایر قومیت‌ها (قوم مسلط)، در مقابل استفاده از نخبگان مردمی کرد؛
- اتخاذ سیاست‌هایی برای فعالیت آزادانه احزاب کرد زبان در چارچوب قانون اساسی؛
- نگاه غیرامنیتی به جوانان کرد و مطالبات قانونی و بحق آنان؛
- مشارکت دادن نخبگان کرد در سطوح بالای مدیریتی و اجرایی کشور .

حوزه فرهنگی

- عدم ممنوعیت تدریس زبان کردی در مراکز آموزشی و تکلم در ادارات دولتی؛
- نامگذاری خیابان‌ها و اماکن عمومی این منطقه با نام مفاخر کرد؛
- راه اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی کردزبان و نیز انتشار نشریات و روزنامه‌های کرد زبان برای انعکاس اخبار مربوط به قوم کرد؛
- تساهل و تعامل دولت مرکزی با قوم کرد و عدم تلاش برای حذف هویت فرهنگی و اجتماعی-سیاسی قوم کرد که در ایران دارای پیشینه تاریخی و اصالت فرهنگی است؛
- تبلیغ و تأکید رسانه‌های ملی بر پیشینه تاریخی و فرهنگی مشترک قوم کرد با دیگر اقوام ایرانی؛

- تشویق و ترغیب اقوام به افزایش ارتباطات اجتماعی با یکدیگر برای از بین بردن تصورات قالبی و پیشداوری‌ها، از جمله خشن بودن قوم کرد.

حوزه اقتصادی

- محرومیت‌زدایی از این منطقه و توزیع عادلانه ثروت و اجرای برنامه‌های توسعه ملی (نه منطقه‌ای) بر مبنای الگوهای بومی؛
- ایجاد و افزایش فرصت‌های شغلی از طریق ایجاد صنایع و کارخانجات مادر؛
- توجه به عمران و آبادانی این منطقه و بهبود وضعیت شهرها و بخصوص روستاها؛ بویژه که منطقه کردستان کوهستانی بوده و امکان دسترسی مردم روستا به شهرها و امکان استفاده از امکانات محدود رفاهی در شهرها را نیز ندارند.
- دولت نباید به بهانه عدم امنیت در این مناطق از اقدامات زیربنایی و توسعه‌ای سرباز زند و به نابرابری ناحیه‌ای و اقتصادی بیشتر در این نواحی دامن بزند. دولت می‌تواند با ایجاد فضای مناسب و امن و ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاران خصوصی در این نواحی، بخشی از مشکلات اقتصادی و بیکاری در این منطقه را برطرف کرده و در جهت تأمین امنیت پایدار اقدام کند؛ چرا که رابطه دوسویه بین امنیت و توسعه وجود دارد. حوزه مذهبی
- ایجاد حوزه‌های علمیه اهل تسنن در سطوح عالی؛ زیرا یکی از دلایل گسترش وهابیت، خروج روحانیون و طلاب از کشور به منظور گذراندن دوره‌های عالی در عربستان، پاکستان و هند است (معینی، ۱۳۸۶)؛
- تأکید بر برگزاری مراسم همانند هفته وحدت و مراسم دیگری که نشان از همگرایی دینی دارد؛ نه تفوق یک مذهب؛
- انتخاب استانداران و فرمانداران سنی مذهب برای کردستان؛
- اجازه برگزاری مراسم مذهبی و پخش آن از رادیو و تلویزیون محلی؛
- اجازه انتشار کتب مذهبی اهل سنت به زبان کردی یا سایر زبان‌ها؛

- ممنوعیت برگزاری مراسم مذهبی نفاق افکن (مانند مراسم عمرکشان که خوشبختانه ممنوع شده است؛ اما متأسفانه در بعضی موارد هنوز شاهد برگزاری این چنین مراسم نفاق افکن و خلاف اصول اسلامی هستیم).



منابع

- آدمی، علی و دیگران. (۱۳۹۰). «الزامات گذار به امنیت ملی پایدار»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی*، سال هشتم، شماره اول.
- ایلامی، سعید. (۱۳۹۳). «بررسی نابرابری های ناحیه‌ای در ایران (با تأکید بر چهار استان کردنشین)»، ۲۰ / ۳ / ۱۳۹۳.
- <http://www.kurdistanmedia.com/farsi/index.php?besh=dreje&id=13694>
- ابریشمی، عبدالله. (۱۳۸۵). «هویت تاریخی و مشکلات کنونی مردم کرد»، تهران: آنا.
- باری، بوزان؛ الی ویور، پاپ دو ویلد. (۱۳۸۶). «چاره‌جویی تازه برای تحلیل امنیت»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برتون، رولان. (۱۳۸۰). «قوم شناسی سیاسی»، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشرنی.
- بهرامیان، شفیق و بهرامیان، امید. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین همگرایی اقوام (ترک و کرد) و احساس امنیت ملی و شناخت عوامل مؤثر بر تقویت همگرایی در آذربایجان غربی»، *دوفصلنامه علمی پژوهشی سیاست نظری*، شماره پانزدهم، بهار و تابستان.
- پیشگامی فرد، زهرا؛ نصرالهی زاده، بهرام. (۱۳۹۱). «پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران»، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ش ۴۶، تابستان.
- پورسعید، فرزاد. (۱۳۸۸). «امنیت پایدار و سیاستگذاری قومی در ایران؛ فرایندها و مؤلفه‌ها»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی قومیت؛ همگرایی ملی و امنیت پایدار*، فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی، دفتر تحقیقات کاربردی.
- جلائی پور، حمیدرضا. (۱۳۷۲). «علل تداوم بحران کردستان پس از انقلاب اسلامی»، تهران: وزارت خارجه.
- چلیپی، مسعود، یوسفی، علی. (۱۳۸۰). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره هشتم.

حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۷). «نسبت هویت قومی با هویت ملی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان.

حاجیان، ابراهیم. (۱۳۹۱). «هویت ایرانی-اسلامی و امنیت پایدار جمهوری اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره چهاردهم، بهار.

خالدی، حسین؛ حمیدرضا محمدی؛ خدیجه سلیم نژاد. (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول.

درکنیان، درک. (۱۳۷۲). «کردها و کردستان»، ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نگاه. درویشی، فرهاد و اعظم امامی. (۱۳۸۹). «قومیت‌ها و همبستگی ملی در ج.ا.ا. (چالش‌ها و راهکارها)»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره بیستم.

رضوی آل هاشم، بهزاد. (۱۳۸۸). «هویت‌های قومی، انسجام اجتماعی و امنیت ملی»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره شانزدهم.

رستگارپناه، حسن؛ سلطانی‌فر، محمد. (۱۳۹۱). «راهبردهای رسانه‌ای امنیت پایدار»، فصلنامه آفاق امنیت، شماره پانزدهم، تابستان. مطالعات فرهنگی

صالحی امیری، سید رضا. (۱۳۸۵). «مدیریت منازعات قومی در ایران»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

عباس زاده، هادی؛ کامران کرمی. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول، مسلسل ۵۱.

عزتی، عزت الله، جمال احمدی، سیلوه. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بحران قومیت‌ها در خاورمیانه و مطالعه موردی کردهای ایران»، سال دوم، شماره دوم.

- فکوهی، ناصر و مجنون آموسی. (۱۳۸۸). «هویت ملی و هویت قومی در کردستان»، پژوهش جوانان؛ فرهنگ، جامعه، شماره دوم.
- قیصری، نوراله. (۱۳۹۲). «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران»، الگویی برای تبیین و اجرای سیاست های کلان، دوفصلنامه علمی پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان.
- قنبری، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای در ایران»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قوام، سیدعبدالعلی. (۱۳۸۲). «جهانی شدن و جهان سوم»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۹). «عصر اطلاعات»، جلد دوم (قدرت هویت) ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کهنه پوشی، مصلح. (۱۳۸۳). «تبعیض قومی در کردستان ایران (بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷)»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- گل محمدی احمد. (۱۳۸۱)، «جهانی شدن هویت، فرهنگ»، تهران: نشر نی.
- محمدی، حمیدرضا، خالدی، حسین، سلیم نژاد، ندیمه. (۱۳۸۹). «خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار.
- مطلبی، مسعود. (۱۳۸۷). «جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی»، ماهنامه زمانه، سال هفتم، شماره هفتاد و نه.
- معینی، فائزه. (۱۳۸۶). «اتحاد و انسجام اسلامی در پایان نامه‌های دانشجویی»، تهران: نشریه دانشگاه تمدن ساز، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

مقدس جعفری، محمد حسن، داور شیخاوندی و حامد شریف پور. (۱۳۸۷). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد (مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز)»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره اول.

مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون نظارت دبیرخانه. (۱۳۹۰). «لوح سیاست‌ها»، تهران: کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نادرپور، محمدرضا. (۱۳۸۲). «تأثیر جهانی شدن بر هویت‌های ملی و قومی»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن (بیم‌ها و امیدها)، تهران: حدیث امروز.

نصیری، حسین. (۱۳۸۴). «امنیت ملی پایدار، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی»، شماره ۲۱۵، مرداد و شهریور.

نساج، حمید. (۱۳۸۸). «جهانی شدن و هویت اقوام ایرانی با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری، زمستان و بهار.

هزار جریبی، جعفر و نادر مروتی. (۱۳۸۹). «تأثیر نابرابری قومی بر امنیت ملی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره چهارم.

Aghajanian, Akbar. (1983). "Ethnic Inequality in Iran: An Overview", *International Journal of Middle East Studies*, No. 15 (May).

Brewer, Marilyn B., and Rupert J. Brown. (1998). "Intergroup relations. In *The Handbook of Social Psychology*", 4th ed., edited by D. T. Gilbert, S. T. Fiske, and G. Lindzey, 55-94. Boston: McGraw-Hill .

Duin, Julia. (2005). *Losing The Kurds*, Ripon, Forum.

Koohi-Kamali, Farideh. (2003). *The Political Development of the Kourds in Iran Nationalism*, Macmillan", New York.

Tajfel, H., & Turner, J. (1979). "An integrative theory of intergroup conflict". In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The Psychology of Intergroup Relations* (pp. 7-24). Chicago: Nelson-Hall

Tajfel, Henri. (1978). "Social categorization, social identity, and social comparison. In *Differentiation between Social Groups: Studies in the Social Psychology of Intergroup Relations*", edited by H. Tajfel, 61-67. London: Academic Press.

Turner, John C, Michael A. Hogg, P. J. Oaks, S. D. Reicher, & S. M. Wetherell. (1987). *Rediscovering the Social Group: A Self-categorization Theory*". Oxford, UK: Blackwell.

Wendt, Alexander. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

David L. Rousseau (2007) <http://www.jstor.org> , آذر ۱۷ ۱۳۸۹

۱۴ آذر ۱۳۹۰, Rwanda www.britanica.com

(۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و

بودجه، <http://www.goftogu.com> ، ۲۷ دی ۱۳۹۳

(فروردین ۹۳) گزارش مرکز آمار ایران در مورد نرخ بیکاری ، www.mehrnews.com

www.amar.org.ir ؛ ۲۷ دی ۱۳۹۳

